

ادراک فارسی‌زبانان از برخی گونه‌های غیرمعیار زبان فارسی از منظر گویش‌شناسی ادراکی

ساحل کمالی صدر^{۱*}، آتوسا رستم بیک تفرشی^۲، یحیی مدرسی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. استادیار زبان شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳. استاد زبان شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹

دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۳۱

Persian Speakers' Perception of Non- Standard Persian Varieties from a Perceptual Dialectology Perspective

Sahel Kamali Sadr^{*1}, Atoosa Rostambeik Tafreshi², Yahya Modarresi³

1. MA Student of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies

2. Assistant professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies

3. Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies

Received: 2020/04/19

Accepted: 2020/10/20

Abstract

This research aims at studying the attitudes of Persian speakers of Karaj to non - standard varieties of Persian by measuring both their success in identifying five regional varieties of Persian including Abadani, Afghani, Shirazi, Kermani and Yazdi and analyzing their positive or negative attitudes towards them. Learning about the attitudes of members of a language community towards linguistic diversity is a key factor in the success of language planning. The independent variables are age, sex and bilinguality. The research tool is a researcher-made questionnaire which comprises personal information, accent identification and language attitudes. The informants are 218 students in the age- rang of 18 to 50 whose main language of communication was Persian. In the selection of universities, the convenience sampling and in the selection of the informants random sampling has been used. The results showed that the informants were more successful in identifying Yazdi variety. The informants used positive and negative traits to describe the varieties and the percentage of negative traits was higher for Afghani variety. The lowest percentage of attitude components is related to Afghani and Kermani varieties. Age and sex variables had a significant effect on Persian speakers' attitude towards the varieties under study.

Keywords: Perception, Perceptual dialectology, Persian speakers, Regional varieties, Language attitudes, Sociolinguistics.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نگرش فارسی‌زبانان ساکن کرج به گونه‌های غیرمعیار زبان فارسی، با سنجش توانایی تشخیص گونه‌های محلی زبان فارسی شامل آبادانی، افغانی، شیرازی، کرمانی و یزدی، از منظر گویش‌شناسی ادراکی انجام شده است. اهمیت چنین پژوهشی در نقش آگاهی از نگرش گویشوران به تنوع‌های زبانی در موفقیت برنامه‌ریزی زبان است. متغیرهای ثابت پژوهش سن، جنسیت و تک‌زبان یا دوزبان بودن آزمودنی‌ها هستند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته است که اطلاعات فردی، تشخیص گونه زبانی و نگرش زبانی را دربردارد. نمونه مورد بررسی شامل ۲۱۸ دانشجوی ۱۸ تا ۵۰ سال ساکن کرج است. نمونه‌گیری از دانشگاه‌های در دسترس به روش تصادفی از میان دانشجویانی انجام شد که که زبان فارسی معیار، زبان ارتباطی اصلی آنان بود. یافته‌ها نشان می‌دهد آزمودنی‌ها در تشخیص گونه یزدی موفق‌تر بوده‌اند. آزمودنی‌ها در توصیف گونه‌های زبانی مختلف از صفات مثبت و منفی متفاوتی استفاده کرده‌اند و درصد صفات منفی مربوط به گونه افغانی بیشتر از سایر گونه‌ها است. کمترین درصد مؤلفه‌های نگرشی مانند صمیمیت، تحصیلات و تشخیص به گونه‌های افغانی و کرمانی مربوط است. متغیرهای اجتماعی سن و جنسیت بر نگرش فارسی‌زبانان درباره گونه‌های مورد بررسی تأثیر معناداری دارند.

کلیدواژه‌ها: ادراک، گویش‌شناسی ادراکی، فارسی‌زبانان، گونه‌های محلی فارسی، نگرش زبانی، زبان‌شناسی اجتماعی.

*Corresponding Author: Sahel Kamali Sadr

Email: sahelks@yahoo.com

* نویسنده مسئول: ساحل کمالی صدر

مقدمه

تنوع زبانی و گویشی یک جامعه بخشی از میراث فرهنگی آن جامعه به شمار می‌آید و تلاش برای حفظ و نگهداری این تنوع و گسترش کاربرد آنها از دغدغه‌های اکثر جوامع امروزی و از موضوعات اصلی مورد توجه در برنامه‌ریزی زبانی است. برنامه‌ریزی جهت حفظ تنوع زبانی بدون آگاهی از نگرش افراد جامعه نسبت به این موضوع نمی‌تواند واقع‌بینانه و کارآمد باشد. بررسی نگرش‌های زبانی که هم در حیطه گویش‌شناسی ادراکی^۱ و هم زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی^۲ قرار می‌گیرد، در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه جامعه‌شناسان زبان بوده است.

شناخت و درک نگرش عامه مردم به تنوع زبانی و گویشی یکی از عواملی است که تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های زبانی در یک جامعه از آن تأثیر می‌پذیرد و در فرایند برنامه‌ریزی زبان اهمیت به‌سزایی دارد. این مقاله نیز با استفاده از چارچوب نظری گویش‌شناسی ادراکی و زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی زبان قصد دارد نگرش فارسی‌زبانان به گونه‌های مختلف زبان فارسی و میزان شناختشان از این گونه‌ها را مورد کندوکاو قرار دهد.

در کشور ما زبان‌ها، گویش‌ها و گونه‌های فراوانی وجود دارد که امروزه به علت تمایل نسل جوان به استفاده از فارسی معیار و گریزان بودن آنان از گویش محلی، در خطر زوال قرار گرفته‌اند. برخی مطالعات نیز نشان می‌دهد که والدین تمایل چندانی به آموزش زبان محلی خود به فرزندان نشان نمی‌دهند. بر اساس نتایج تحقیقاتی چون مشایخ (۱۳۸۱)، بشیرنژاد (۱۳۸۳)، مصطفی (۱۳۸۷)، رضانی، رستم بیک و واسوجویباری (۱۳۹۳)، بسیاری از نوجوانان و جوانان تمایلی به استفاده از زبان یا گویش محلی ندارند و تنوع زبانی در تمام سطوح مانند تنوع گویشی یا لهجه‌ای روندی نزولی را طی می‌کند. اهمیت انجام پژوهش‌های نگرشی با توجه به نقش این نگرش‌ها در موفقیت برنامه‌ریزی زبان در راستای حفظ و نگهداری تنوع زبانی دو چندان می‌شود.

مدرسی (۱۳۹۶: ۲۵۶) در زمینه برنامه‌ریزی زبان می‌گوید: «برنامه‌ریزی زبان را می‌توان فعالیتی روش‌مند و سازمان‌یافته دانست که برای حل مسائل زبانی یک جامعه از طریق ایجاد تغییرات آگاهانه در ساخت یا کاربرد زبان انجام

می‌گیرد». برنامه‌ریزی زبان بیش از سایر جنبه‌های برنامه‌ریزی با ارزش‌ها، عادات، نگرش‌ها و احساسات انسانی سرو کار دارد. ایجاد نگرش مثبت در اعضای جامعه نیازمند آزمودن شیوه‌ها و راه‌کارهای مختلف است و این کار میسر نمی‌شود مگر با آگاهی از نظر و رویکرد و نگرش گروه هدف نسبت به موضوع مورد نظر.

این پژوهش بر آن است نگرش دانشجویان فارسی‌زبان ساکن کرج را به گونه‌های غیرمعیار زبان فارسی شامل گونه آبادانی، شیرازی، یزدی، کرمانی و افغانی در چارچوب گویش‌شناسی ادراکی مورد بررسی قرار دهد، تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد: فارسی‌زبانان تا چه اندازه می‌توانند گونه‌های مورد بررسی زبان فارسی را شناسایی کنند؟ فارسی‌زبانان از چه صفاتی برای توصیف گونه‌های مورد بررسی زبان فارسی استفاده می‌کنند؟ متغیرهای سن، جنسیت و دوزبانگی چه تأثیری بر نگرش فارسی‌زبانان به گونه‌های مختلف زبان فارسی دارند؟

خاطر نشان می‌شود که در انتخاب این گونه‌ها چند عامل مد نظر بوده است: اینکه گویشور گونه در دسترس باشد، گونه به راحتی قابل تشخیص نباشد و تفاوت گونه با فارسی معیار در حد لهجه باشد. انتخاب گونه افغانی نیز به دلیل حضور اتباع کشور افغانستان در ایران و نگرشی که مکن است نسبت به این افراد در جامعه وجود داشته باشد صورت گرفت تا نگرش به این گونه مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

هلند و سپس ژاپن پیشگامان پژوهش‌های گویش‌شناسی ادراکی به‌شمار می‌آیند. اولین پژوهش پیمایشی در حیطه گویش‌شناسی ادراکی در سال ۱۹۳۹ توسط دانشکده گویش آکادمی سلطنتی علوم و زبان هلند، با هدف بررسی نگرش مردم نسبت به شباهت‌ها و تفاوت‌های گویشی انجام شد (هیرینگ^۳، ۲۰۰۴: ۱۲). در ژاپن، شیباتا^۴ (۱۹۵۹) از پاسخ‌دهندگان در ناحیه ایتویی گاوا در غرب ژاپن خواست که مشخص کنند گویش کدام یک از روستاهای مجاورشان (۱) غیر متفاوت، (۲) کمی متفاوت، (۳) کاملاً متفاوت، یا (۴) بیشتر غیر قابل درک است.

بوتون^۵ (۲۰۰۶) در پژوهشی با استفاده از نمونه‌های

3. Heeringa
4. Sibata
5. Boughton

1. perceptual dialectology
2. cognitive sociolinguistics

گرفته است که نگرش افراد مورد بررسی نسبت به کاربرد گونه معیار مثبت است، اما آنچه هنوز گونه شیرازی و گونه‌های محلی را زنده و پویا نگاه داشته، ویژگی‌هایی مانند احساس صمیمیت و تعلق به گونه محلی است که سبب ایجاد همبستگی میان گروه‌های اجتماعی و محلی معینی می‌شود. جنسیت و سن نیز از عوامل تأثیرگذار بر نگرش زبانی بوده‌اند.

به این ترتیب، بررسی آثار این حوزه اهمیت آگاهی از نگرش‌های زبانی گویشوران نسبت به گونه‌های زبانی را تأیید می‌کند. در عین حال، اغلب پژوهش‌های ایرانی نگرش گویشوران یک گویش یا گونه زبانی را نسبت به گویش خود و فارسی معیار سنجیده‌اند و جای خالی پژوهشی که نگرش گویشوران فارسی، به عنوان زبان معیار، را نسبت به سایر گونه‌ها بسنجد مشهود است؛ موضوعی که نوآوری پژوهش حاضر است.

چارچوب نظری

همه زبان‌ها دارای گونه‌های بسیاری هستند و همین موضوع باعث می‌شود که شنوندگان نسبت به گونه‌های دیگر دست به قضاوت بزنند و در ذهن آنها نگرش‌های مثبت و منفی نسبت به سخن‌گویان شکل بگیرد. هایمز^۳ (۱۹۷۴: ۱۲۳) ادعا کرده است که مرزهای زبانی میان گروه‌ها تنها بر پایه کاربرد عناصر زبانی به وجود نمی‌آیند، نگرش‌ها و معانی اجتماعی مرتبط با آن عناصر نیز دارای اهمیت هستند (وارداف^۴، ۱۳۹۳: ۵۲). کریمی (۱۳۷۹: ۵) نگرش را مفهومی انتزاعی می‌داند که در مورد آن بین صاحب نظران اتفاق نظر وجود ندارد. او نگرش را حالتی از هوشیاری فردی و حلقه پیوند بین ارزش‌های افراد و عمل آنها می‌داند. بیکر^۵ (۱۹۹۲: ۲۳) به نقل از داوری اردکانی، (۱۳۸۸: ۱۰۴) نگرش زبانی را شامل سه مؤلفه شناختی، احساسی و رفتاری می‌داند. هر یک از مؤلفه‌های نگرش زبانی یعنی آگاهی، احساس و آمادگی برای عمل را باید در سه سطح پیکره، شأن و زبان آموزی سنجید. روش معمول برای گردآوری داده جهت بررسی نگرش زبانی افراد یک جامعه استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه است، اما برخی از صاحب نظران این را کافی نمی‌دانند و استفاده از آزمون‌هایی با نمونه صدای ضبط شده را برای بررسی دقیق‌تر نگرش زبانی افراد توصیه می‌کنند. گویش‌شناسی

صوتی از پاسخ دهندگان می‌خواهد که بگویند گوینده به چه ناحیه‌ای تعلق دارد و شهری است یا روستایی. باج‌التز^۱ و دیگران (۲۰۰۷) در پژوهشی در کالیفرنیا ادراک سخنگویان را در مورد توزیع جغرافیایی زبان در کالیفرنیا، با استفاده از دو پرسش سنجیدند: «۱) به نظر شما مردم در کجای کالیفرنیا بهتر صحبت می‌کنند؟ چرا؟ ۲) به نظر شما مردم در کجای کالیفرنیا بدتر صحبت می‌کنند؟ چرا؟»

سائلی^۲ (۲۰۱۸) نگرش تهرانی‌ها به چهار گونه تهرانی، آذری، اصفهانی و گیلکی را با روش پرسش‌نامه‌ای بررسی کرده و نتیجه گرفته است که جنسیت، سن و سطح تحصیلات در ارزیابی آزمودنی‌ها تأثیرگذار است و در سؤالات با پاسخ باز تجربیات شخصی، کلیشه‌های اجتماعی، دوستانی از قومیت‌های مختلف، جک‌های قومیتی و مشاغل منسوب به اقوام مختلف به عنوان دلایل اصلی در ارزیابی‌ها عنوان شده‌اند.

شعبان (۱۳۸۹) نگرش زبانی ۴۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی شهرستان بروجرد را به زبان فارسی بررسی کرده و نتیجه گرفته است که دانش‌آموزان شهرستان بروجرد نگرش تقریباً مثبتی نسبت به زبان فارسی دارند و زبان فارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نگرش مثبت به زبان فارسی در بین دختران بیشتر است. نگرش مثبت به گویش بروجردی میان جنس مذکر بیشتر از جنس مونث است. درابیده (۱۳۸۹) با توزیع پرسش‌نامه در میان ۴۱۰ نفر از دانش‌آموزان مناطق مختلف استان هرمزگان و با استفاده از روش‌های آماری گوناگون نتیجه گرفته است که دانش‌آموزان استان هرمزگان نگرش مثبتی نسبت به زبان فارسی دارند و بیش از یک سوم افرادی که زبان مادریشان فارسی است نگرش منفی نسبت به زبان بندری دارند.

داوری اردکانی و مصطفی (۱۳۹۰) نگرش زبانی و مؤلفه‌های هویت ملی را بین ۲۳۵ دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی استان کردستان مورد بررسی قرار دادند و نتیجه گرفتند که دانش‌آموزان این استان زبان کردی، خصوصیات اخلاقی، دین، زبان فارسی و فرهنگ را از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی خود قلمداد می‌کنند و رابطه مستقیمی بین نگرش مثبت به زبان کردی و فارسی وجود دارد.

مظفری (۱۳۹۳) نگرش گویشوران استان فارس را نسبت به گونه شیرازی و گونه معیار فارسی بررسی کرده و نتیجه

3. Hymes
4. Wardhauf
5. Baker

1. Bucholtz
2. Saeli

ادراکی و زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی حوزه‌های پژوهشی نوینی هستند و پژوهش‌های انجام شده در این دو حوزه تلاقی دو حوزه اجتماعی و شناختی زبان را نشان می‌دهند و همواره توانسته‌اند توصیفات جامعی در مورد تنوعات زبانی ارائه دهند.

گوشش‌شناسی ادراکی بازنمود توجه‌گوشش‌شناسان و زبان‌شناسان اجتماعی و گونه‌شناسان به زبان‌شناسی عامیانه است. افراد غیر متخصص درباره تنوع چه می‌گویند؟ به باور آنها منشأ این تنوع چیست؟ این تنوع‌ها چه نقشی ایفا می‌کنند؟ با در دست داشتن این حقایق، گوشش‌شناس می‌تواند دیدگاه علمی و عامیانه درباره ناحیه‌های گوششی را با هم مقایسه کند و به عنوان مثال دریابد که آیا در باور عامیانه ناحیه‌های گوششی وجود دارند که به لحاظ علمی تایید نمی‌شوند و بالعکس (رستم‌بیک، ۱۳۹۴ به نقل از پرستون^۱، ۱۹۹۹: XXIV). به طور کلی می‌توان گفت که هدف اصلی گوشش‌شناسی ادراکی تعیین میزان آگاهی گویشوران نسبت به تفاوت‌های زبانی است و به نظر می‌رسد که گوشش‌شناسی ادراکی از عوامل اجتماعی تأثیرگذار در جوامع زبانی جدایی‌ناپذیر است (پرستون، ۲۰۰۶: ۲۶۴).

روش پژوهش

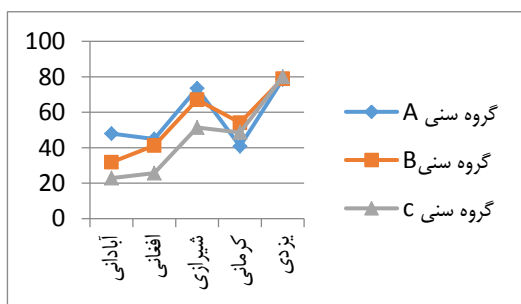
این پژوهش یک مطالعه میدانی با رویکردی توصیفی - تحلیلی است که نگرش دانشجویان فارسی‌زبان ساکن کرج را به گونه‌های زبان فارسی مورد بررسی قرار می‌دهد. نمونه آماری پژوهش شامل ۲۱۸ دانشجو است که از دانشگاه‌های در دسترس شامل دانشگاه علمی کاربردی شهرداری کرج، دانشگاه خوارزمی کرج و دانشگاه آزاد کرج انتخاب شدند. دانشجویان به صورت تصادفی و از رشته‌های مختلف انتخاب شدند. از مجموع ۲۱۸ آزمودنی، ۶۰/۵ درصد آنها مرد و ۳۹/۵ درصد آنها زن بودند. ۴۵ درصد در گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال، ۳۹ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال و ۱۶ درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال قرار دارند. همچنین ۶۰/۱ درصد افراد فارسی‌زبان تک‌زبانه، ۲۰/۶ درصد افراد فارسی‌زبان دوزبانه که زبان اول آنها فارسی است و ۱۹/۳ درصد افراد فارسی‌زبان دوزبانه که زبان اول آنها غیر از فارسی است.

گردآوری داده‌ها که حدود دو ماه به طول انجامید، با

استفاده از پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته انجام شد که ۳۶ پرسش اطلاعات فردی، تشخیص لهجه و نگرش زبانی را در بر می‌گیرد. روایی پرسش‌نامه طی دو مرحله مطالعه مقدماتی و مشورت با متخصصان این حیطه تأیید شد. گردآوری داده‌ها با حضور مستمر پژوهشگر در مراحل توزیع پرسش‌نامه‌ها انجام گرفت. در بخش اول ۲۰ پرسش طراحی شده که اطلاعات فردی و زبانی مانند سن، جنسیت، محل تولد، تحصیلات والدین، زبان مادری والدین، رسانه جمعی مورد استفاده و... را مورد پرسش قرار می‌داد.

بخش دوم مربوط به آزمون صدا بود که شیوه‌ای برای سنجیدن نگرش افراد به گونه‌های غیرمعیار یک زبان است. در این بخش ۱۶ پرسش در سه بخش طراحی شده بود. در بخش اول صدایی پخش می‌شد که از طریق مصاحبه با ۵ مرد جوان بومی باسواد مناطق افغانستان، آبادان، شیراز، کرمان و یزد تهیه شده بود. این افراد ۵ دقیقه درباره خوشبختی به لهجه بومی خود و به زبان غیررسمی صحبت کرده بودند. آزمودنی‌ها پس از شنیدن صدا باید تشخیص می‌دادند که این گونه به کدام منطقه کشور یا کشورهای همسایه، که گونه‌های زبان فارسی در آنها رایج است، تعلق دارد. در بخش دوم پرسشی در پرسش‌نامه قرار داده شد که از گویشوران می‌خواست با استفاده از یک یا چند صفت گونه‌های مورد بررسی را توصیف کنند. به این منظور مجموعه‌ای متشکل از ۲۵ صفت که با بررسی چندین پژوهش ایرانی و غیرایرانی گردآوری شده بود به عنوان راهنما ذیل پرسش مورد نظر در اختیار آزمودنی‌ها قرار داده شد.

در بخش سوم قضاوت شنوندگان در مورد گونه‌های غیر معیار از نظر خوشایند بودن گونه، احساس صمیمیت، بیان اعتبار و شخصیت‌گوینده و بیان سطح تحصیلات سنجیده شد. متغیرهای اجتماعی که در این پژوهش مد نظر قرار گرفته‌اند سن، جنسیت و دوزبانه یا تک‌زبانه بودن گویشوران هستند. علت انتخاب این متغیرها این است که نتایج بسیاری از پژوهش‌های حوزه نگرش زبانی نشان داده‌اند که میزان کاربرد و جایگاه گویش‌های محلی در بین نوجوانان و جوانان در مقایسه با سالمندان پایین‌تر است، همچنین زنان بیشتر از مردان به کاربرد زبان معیار تمایل نشان می‌دهند (به عنوان نمونه، نک. اسماعیلی، بشیرنژاد و روحی مقدم (۱۳۸۶) درباره جایگاه مازندرانی در آمل؛ زندی، روشن و نصیری الموتی (۱۳۹۰) درباره گوشش‌تنکابنی؛ احمدی و زندی (۱۳۹۷)



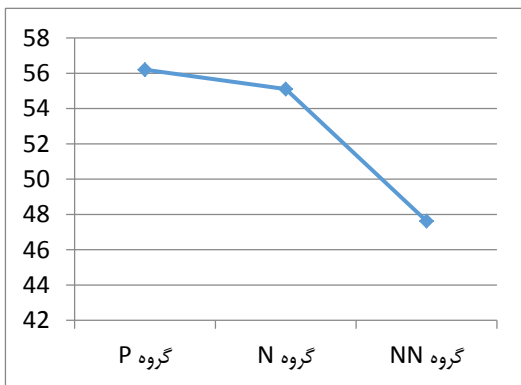
نمودار ۲. تأثیر سن بر تشخیص درست گونه‌ی زبانی

بررسی تأثیر متغیر دوزبانگی نشان می‌دهد که گروه زبانی اول در تشخیص گونه‌های شیرازی و افغانی و گروه دوم در تشخیص گونه‌های یزدی، کرمانی و آبادانی بهتر عمل کرده‌اند (نمودار ۳).



نمودار ۳. تأثیر دوزبانگی بر تشخیص درست گونه‌ی زبانی

برای نتیجه‌گیری دقیق‌تر، میانگین تشخیص درست مجموع گونه‌ها در سه گروه زبانی محاسبه و نتیجه در نمودار (۴) نشان داده شده است. همان‌طور که مشهود است، گروه تک‌زبانانه بالاترین میانگین تشخیص درست را دارد و بعد از آن با اختلاف اندکی گروه دوزبان‌های که فارسی زبان اولشان بوده است، قرار می‌گیرد.

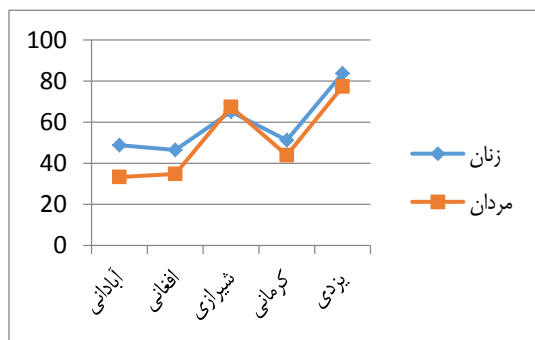


نمودار ۴. میانگین تشخیص درست گونه در گروه‌های زبانی

درباره‌ی زبان کردی؛ مظفری و دیگران (۱۳۹۸) درباره‌ی گونه‌های محلی شیرازی). همچنین، مطالعات حوزه زبان و جنسیت نشان داده‌اند که زنان نسبت به مردان گویشوران محتاط‌تری هستند و بیشتر از گونه‌ای استفاده می‌کنند که شأن اجتماعی بالاتری دارد (به عنوان نمونه، نک. لیکاف^۱، ۱۹۷۳؛ تانن^۲، ۱۹۹۰). متغیر دوزبانانه بودن نیز با این هدف بررسی شده است که مشخص شود آیا دوزبانانه بودن گویشوران تأثیر معناداری بر نگرششان نسبت به گونه‌های زبان فارسی دارد یا خیر.

یافته‌ها

در بخش اول آزمون صدا، صدایی پخش می‌شد که از طریق مصاحبه با گویشوران بومی آن منطقه خاص که مورد پرسش آزمون بود تهیه شده بود. گویشوران همگی مرد بودند. آزمودنی‌ها پس از شنیدن صدا باید تشخیص می‌دادند که این گونه به کدام منطقه کشور یا کشورهای همسایه که گونه‌های زبان فارسی در آنها رایج است، تعلق دارد... نتایج این بررسی با توجه به متغیرهای مورد نظر به این شرح است: از نظر جنسیت درصد تشخیص گونه‌ها در زنان بهتر از مردان بوده است. مردان تنها در تشخیص گونه شیرازی بهتر عمل کرده‌اند (نمودار ۱).



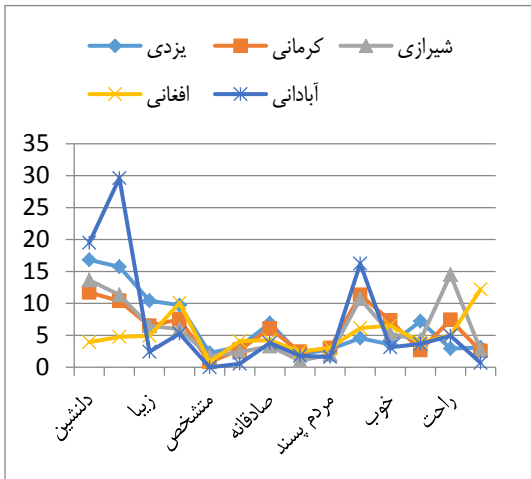
نمودار ۱. تأثیر جنسیت بر تشخیص درست گونه‌ی زبانی

بررسی تأثیر سن بر تشخیص درست گونه‌ی زبانی نشان می‌دهد که در مجموع با بالا رفتن سن، قدرت تشخیص درست گونه‌ها کاهش پیدا کرده است. گروه سنی اول در تشخیص گونه‌های شیرازی، افغانی و آبادانی بهتر از دو گروه دیگر، گروه سنی دوم تنها در تشخیص گونه کرمانی و گروه سنی سوم تنها در تشخیص گونه یزدی بهتر عمل کرده‌اند (نمودار ۲).

1. Lakoff
2. Tannen

زن و مرد فارسی‌زبان در گروه‌های سنی هم‌تا با آزمودنی‌ها تعیین شد.

به این ترتیب، فهرست صفات مثبت به این شرح است: دلنشین، گرم و صمیمی، زیبا، جالب، متشخص، ظریف و موزون، صادقانه، قاطعانه، مردم‌پسند، خودمانی، خوب، سرگرم‌کننده، راحت و متفاوت. بر اساس همین نظرسنجی، صفات منفی به این شرحند: عامیانه، رخوت‌انگیز، گیج‌کننده، آزاردهنده، دهاتی، مبهم، پیچیده، عجیب، غیرمحترمانه، زنده و خشن. از آنجا که تعداد آزمودنی‌ها در گروه‌های مختلف جنسیتی، سنی و زبانی با یکدیگر برابر نیستند، مقایسه پاسخ‌ها بر مبنای درصد افرادی که یک صفت را به کار برده بودند انجام شده است. با توجه به بار معنایی مثبت و منفی صفات، می‌توان از این جنبه آنها را مورد بررسی و مقایسه قرار داد. صفات دلنشین، گرم و صمیمی و خودمانی بیشتر به گونه آبادانی، صفات زیبا، متشخص، صادقانه و سرگرم‌کننده بیشتر به گونه یزدی، صفات جالب، ظریف و موزون، قاطعانه، مردم‌پسند و متفاوت بیشتر به گونه افغانی، صفت راحت بیشتر به گونه شیرازی و صفت خوب بیشتر به گونه کرمانی نسبت داده شده است (نمودار ۶).

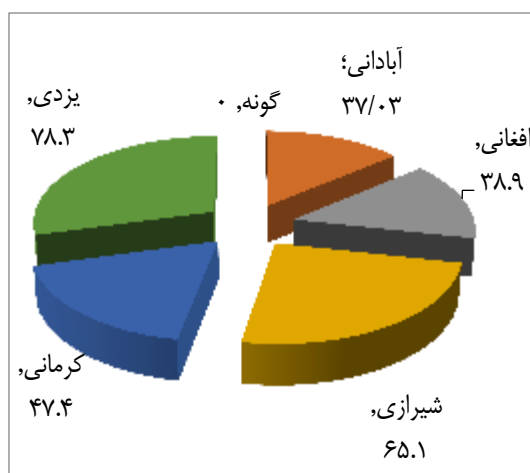


نمودار ۶. مقایسه صفات مثبت

از میان صفات منفی، صفات زنده و خشن بیشتر به گونه یزدی، صفات عامیانه و غیرمحترمانه بیشتر به گونه کرمانی، صفت رخوت‌انگیز بیشتر به گونه شیرازی و صفات گیج‌کننده، آزاردهنده، دهاتی، مبهم، پیچیده و عجیب بیشتر به گونه افغانی نسبت داده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، صفت منفی منسوب به گونه آبادانی درصد بالایی ندارد (نمودار ۷).

با تحلیل مجموع نتایج آزمون مشخص می‌شود که به طور کلی آزمودنی‌ها در تشخیص گونه یزدی بهترین عملکرد (۷۸/۳ درصد) و در تشخیص گونه آبادانی ضعیف‌ترین عملکرد (۳۷/۰۳ درصد) را داشته‌اند. نتایج در نمودار (۵) نشان داده شده است. بر این اساس می‌توان سلسله مراتب شناخته شده بودن گونه زبانی برای فارسی‌زبانان را به این صورت ارائه داد:

یزدی < شیرازی < کرمانی < افغانی < آبادانی



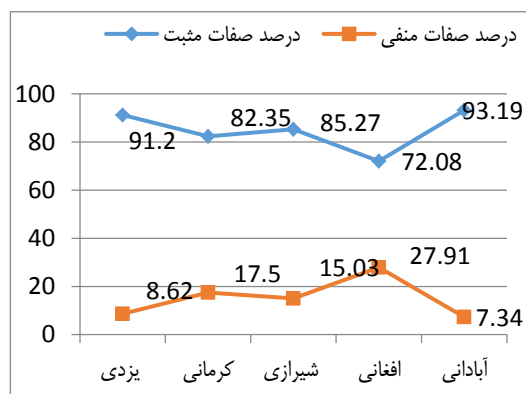
نمودار ۵. درصد تشخیص درست گونه‌ها

در بخش دوم به منظور بررسی نگرش گویشوران فارسی زبان درباره گونه‌های زبان فارسی، پرسشی در پرسش‌نامه قرار داده شد که از گویشوران می‌خواست با استفاده از یک یا چند صفت گونه‌های مورد بررسی را توصیف کنند. این پرسش در واقع پاسخ آزاد بود. با وجود این برای نمونه، مجموعه‌ای از صفات مثبت و منفی که پژوهشگران با مطالعه آثار این حوزه به آنها دست یافته بودند، در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت. نکته جالب این است که اغلب افراد از این مجموعه بسته صفات برای توصیف گونه‌ها استفاده کردند؛ تنها در چند مورد برخی از صفت «شیرین» استفاده کردند که جزو مجموعه صفات ارائه شده نبود و برخی در اشاره به گونه کرمانی از واژه «تیراک» استفاده کردند.

در نهایت با تحلیل پاسخ‌ها، صفات نسبت داده شده به گویش‌ها در دو دسته صفات مثبت و صفات منفی طبقه‌بندی شد. به منظور قابل استناد بودن طبقه‌بندی و اجتناب از اعمال نظر شخصی پژوهشگران، مثبت یا منفی بودن این صفات طی یک آزمون نظر سنجی جداگانه از ۶۰

به گونه افغانی نسبت داده شده است. از مجموع صفاتی که آزمودنی‌ها به گونه‌ها نسبت داده‌اند، صفاتی که به ساختار گونه اشاره دارند، یعنی متفاوت، پیچیده، مبهم، گیج‌کننده و عجیب مورد بررسی قرار گرفت. همه موارد به گونه افغانی نسبت داده شده است.

با بررسی صفاتی که به شأن گونه‌ها اشاره دارند یعنی دلنشین، گرم و صمیمی، زیبا، جالب و سرگرم‌کننده، ظریف و موزون، صادقانه، خوب، آزاردهنده، زنده، خشن و رخت‌انگیز، نمودار ۹ بدست می‌آید. همان گونه که ملاحظه میشود، صفات مثبت به نسبت درصد بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. پربسامدترین صفت مربوط به شأن برای گونه‌های مورد بررسی به این شرحند: صفت گرم و صمیمی برای آبادانی، جالب و سرگرم‌کننده برای افغانی، دلنشین برای گونه شیرازی، دلنشین برای گونه کرمانی و جالب و سرگرم‌کننده برای گونه یزدی.

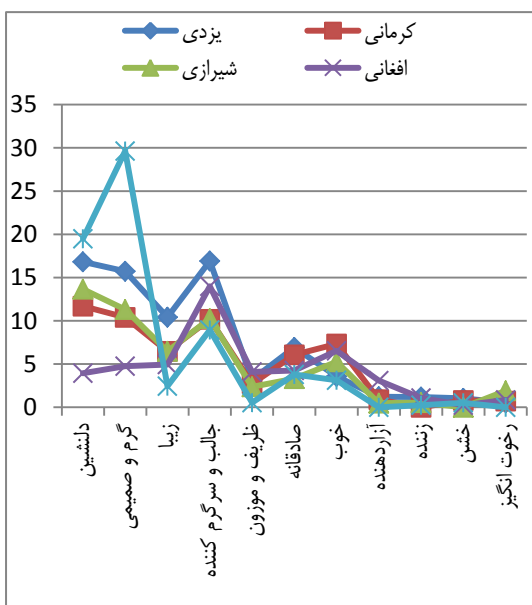


نمودار ۷. مقایسه صفات منفی

به طور کلی، بیشترین درصد صفات مثبت به گونه آبادانی و بیشترین درصد صفات منفی به گونه افغانی مربوط است. همان طور که در نمودار دیده می‌شود، سلسله مراتب توصیف گونه‌ها با استفاده از صفات مثبت به این شرح است:

آبادانی < یزدی < شیرازی < کرمانی < افغانی

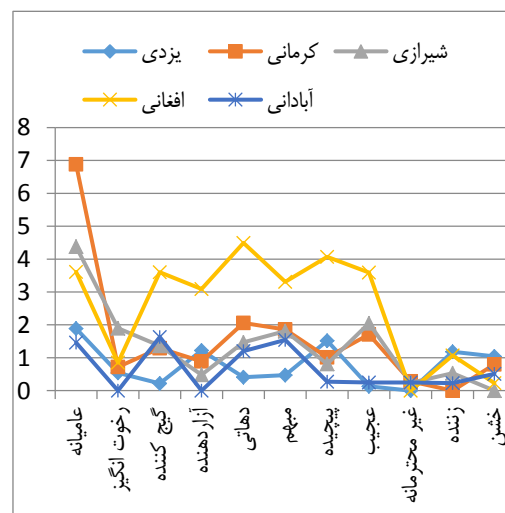
چنان که مشهود است، پربسامدترین صفت منفی نسبت داده شده به آبادانی صفت «گیج‌کننده» به افغانی صفت «دهاتی»، به شیرازی «عامیانه»، به کرمانی «عامیانه» و به یزدی نیز «عامیانه» بوده است (نمودار ۸).



نمودار ۹. مقایسه صفات مربوط به شأن گونه‌ها

در بخش سوم آزمون صدا، قضاوت شنوندگان در مورد گونه‌های غیرمعیار از نظر خوشایند بودن گونه، احساس صمیمیت، بیان اعتبار و شخصیت گوینده و بیان سطح تحصیلات سنجیده شده است. در این بخش پاسخ به ۶ پرسش در گروه‌های سنی، جنسیتی و زبانی با استفاده از جداول و نمودار توصیف و مقایسه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نتایج زیر را نشان می‌دهد:

● در پاسخ به پرسش (۱) مبنی بر اینکه آزمودنی‌ها کدام گونه را ترجیحاً به عنوان زبان گفتاری خود انتخاب می‌کنند،



نمودار ۸. مقایسه کلی درصد صفات مثبت و منفی

از مجموع صفاتی که آزمودنی‌ها به گونه‌ها نسبت داده‌اند، صفاتی که به سبک گونه اشاره دارند یعنی عامیانه، غیرمحترمانه، خودمانی و مردم‌پسند مورد بررسی قرار گرفت. سبک عامیانه بیشتر به گونه کرمانی، سبک غیرمحترمانه البته با اختلاف بسیار اندک باز هم به گونه کرمانی، سبک خودمانی به گونه آبادانی و سبک مردم‌پسند

درصد است). پرسامدترین انتخاب از نظر جنسیت در گروه مردان گونه یزدی با $34/8$ درصد و در گروه زنان گونه آبادانی با $30/2$ درصد بوده است. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها، آزمون آماری یومن ویتنی رابطه معناداری را بین جنسیت و انتخاب یکی از گونه‌های مورد بررسی به عنوان خوشایندترین گونه نشان نمی‌دهد. پرسامدترین انتخاب در گروه‌های زبانی گونه یزدی بوده است که در گروه اول $33/6$ درصد، در گروه دوم $28/9$ درصد و در گروه سوم 31 درصد را نشان می‌دهد. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر زبان آزمون آماری کروسکال والیس رابطه معناداری را بین زبان و انتخاب یکی از گونه‌های مورد بررسی به عنوان خوشایندترین گونه نشان نمی‌دهد.

● در پاسخ به پرسش (۳) مبنی بر اینکه آزمودنی‌ها با گویشور کدام گونه راحت‌تر می‌توانند ارتباط دوستی برقرار کنند، با توجه به متغیر سن در گروه سنی اول $37/8$ درصد گونه آبادانی، $8/2$ درصد گونه افغانی، $24/5$ درصد گونه شیرازی، $8/2$ درصد گونه کرمانی، $20/4$ درصد گونه یزدی را انتخاب کرده‌اند و 1 درصد پاسخ هیچکدام داده‌اند. در گروه سنی دوم $29/4$ درصد گونه آبادانی، $5/9$ درصد گونه افغانی، $24/7$ درصد گونه شیرازی، $12/9$ درصد گونه کرمانی، $23/5$ درصد گونه یزدی را انتخاب کرده‌اند و $3/5$ درصد پاسخ هیچکدام داده‌اند. در گروه سنی سوم 20 درصد گونه آبادانی، $11/4$ درصد گونه افغانی، $14/3$ درصد گونه شیرازی، $14/3$ درصد گونه کرمانی، $37/1$ درصد گونه یزدی را انتخاب کرده‌اند و $2/9$ درصد پاسخ هیچکدام داده‌اند. آزمون آماری کروسکال والیس نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سن و انتخاب یکی از گونه‌های مورد بررسی به عنوان گونه‌ای که می‌توان با گویشور آن راحت‌تر ارتباط دوستی برقرار کرد وجود دارد (ضریب معناداری برابر با $0/040$ است). پرسامدترین انتخاب از نظر جنسیت گونه آبادانی بوده است که در گروه مردان $30/3$ درصد و در گروه زنان $33/7$ درصد را نشان می‌دهد. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر جنسیت، آزمون آماری یومن ویتنی رابطه معناداری را بین جنسیت و این گزاره نشان نمی‌دهد. پرسامدترین انتخاب در گروه‌های زبانی در گروه اول گونه آبادانی با $32/8$ درصد، در گروه دوم گونه یزدی با $26/7$ درصد و در گروه سوم گونه آبادانی با $40/5$ درصد بوده است. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر زبان، آزمون آماری کروسکال والیس رابطه معناداری را بین دوزبانگی و این

پرسامدترین انتخاب در گروه سنی اول گونه آبادانی با $21/4$ درصد، در گروه سنی دوم گونه آبادانی با $11/8$ درصد و در گروه سنی سوم گونه آبادانی با $22/9$ درصد بوده است. با وجود تفاوت در انتخاب‌های بعدی، آزمون کروسکال والیس رابطه معناداری بین سن و انتخاب یکی از گونه‌های مورد بررسی به عنوان زبان گفتاری ترجیحی نشان نمی‌دهد. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر جنسیت در گروه مردان $15/2$ درصد گونه آبادانی، 3 درصد گونه افغانی، $20/5$ درصد گونه شیرازی، $6/8$ درصد گونه کرمانی، $18/2$ درصد گونه یزدی را انتخاب کرده‌اند و $36/4$ درصد پاسخ هیچکدام داده‌اند. در گروه زنان $22/1$ درصد گونه آبادانی، $3/5$ درصد گونه افغانی، $20/9$ درصد گونه شیرازی، $11/6$ درصد گونه کرمانی، $18/6$ درصد گونه یزدی را انتخاب کرده‌اند و $23/3$ درصد پاسخ هیچکدام داده‌اند. آزمون آماری یومن ویتنی نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین جنسیت و انتخاب یکی از گونه‌های مورد بررسی به عنوان زبان گفتاری ترجیحی وجود دارد (ضریب معناداری برابر با $0/048$ است). پرسامدترین انتخاب در گروه‌های زبانی به این شرح گزارش می‌شود: در گروه زبانی اول گونه آبادانی با $18/3$ درصد، در گروه زبانی دوم گونه آبادانی با $17/8$ درصد و در گروه زبانی سوم گونه آبادانی با $16/7$ درصد. با وجود تفاوت‌های مشاهده‌شده، آزمون آماری رابطه معناداری را بین زبان و انتخاب یکی از گونه‌های مورد بررسی به عنوان زبان گفتاری ترجیحی نشان نمی‌دهد.

● در پاسخ به پرسش (۲) مبنی بر اینکه کدام گونه برای آزمودنی‌ها خوشایندتر است، در گروه سنی اول $33/7$ درصد گونه آبادانی، 1 درصد گونه افغانی، $19/4$ درصد گونه شیرازی، $7/1$ درصد گونه کرمانی، $27/6$ درصد گونه یزدی را انتخاب کرده‌اند و $11/2$ درصد پاسخ هیچکدام داده‌اند. در گروه سنی دوم 20 درصد گونه آبادانی، $5/9$ درصد گونه افغانی، $16/5$ درصد گونه شیرازی، $7/1$ درصد گونه کرمانی، $31/8$ درصد گونه یزدی را انتخاب کرده‌اند و $18/8$ درصد پاسخ هیچکدام داده‌اند. در گروه سنی سوم $11/4$ درصد گونه آبادانی، $2/9$ درصد گونه افغانی، $17/1$ درصد گونه شیرازی، $8/6$ درصد گونه کرمانی، $45/7$ درصد گونه یزدی را انتخاب کرده‌اند و $14/3$ درصد پاسخ هیچکدام داده‌اند. آزمون آماری کروسکال والیس نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سن و انتخاب یکی از گونه‌های مورد بررسی به عنوان خوشایندترین گونه وجود دارد (ضریب معناداری برابر با $0/027$

گزاره نشان نمی‌دهد.

پرسامدترین گونه در گروه سنی اول گونه شیرازی با ۲۷/۶ درصد، در گروه سنی دوم گونه یزدی با ۳۴/۱ درصد و در گروه سنی سوم گونه آبادانی با ۳۴/۳ درصد بوده است. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر سن، آزمون آماری کروسکال والیس رابطه معناداری را بین سن و این گزاره نشان نمی‌دهد. پرسامدترین انتخاب از نظر جنسیت نیز گونه یزدی بوده است که در گروه مردان ۲۵ درصد و در گروه زنان ۲۹/۱ درصد را نشان می‌دهد. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر جنسیت، آزمون آماری یومن ویتنی رابطه معناداری را بین جنسیت و این گزاره نشان نمی‌دهد. پرسامدترین انتخاب در گروه‌های زبانی اول گونه یزدی با ۳۰/۵ درصد، در گروه زبانی دوم گونه شیرازی با ۲۸/۹ درصد و در گروه زبانی سوم گونه‌های آبادانی، شیرازی و کرمانی با ۲۳/۸ درصد بوده است. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر زبان، آزمون آماری کروسکال والیس رابطه معناداری را بین زبان و این گزاره نشان نمی‌دهد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که به طور کلی در پاسخ به این پرسش که کدام گونه را ترجیحاً به عنوان زبان گفتاری خود انتخاب می‌کنید، گزینه هیچکدام بالاترین درصد را دارد و بعد از آن گونه شیرازی، گونه یزدی، گونه آبادانی، گونه کرمانی و گونه افغانی به ترتیب در رتبه‌های بعد قرار دارند. در مورد اینکه کدام گونه خوشایندتر است، گونه یزدی بالاترین درصد را دارد و بعد از آن گونه آبادانی، گونه شیرازی، گزینه هیچکدام، گونه کرمانی و گونه افغانی در رتبه‌های بعد قرار دارند. در پرسش (۳) گونه آبادانی بالاترین درصد را دارد و بعد از آن گونه یزدی، گونه شیرازی، گونه کرمانی، گونه افغانی و گزینه هیچکدام در رتبه‌های بعد قرار دارند. در پرسش (۴) گونه شیرازی بالاترین درصد را دارد و بعد از آن گونه یزدی، گونه آبادانی، گونه کرمانی، گونه افغانی و گزینه هیچکدام در رتبه‌های بعد قرار دارند. در پرسش (۵) گونه آبادانی بالاترین درصد را دارد و بعد از آن گونه یزدی، گونه شیرازی، گونه کرمانی، گونه افغانی و گزینه هیچکدام در رتبه‌های بعد قرار دارند. در پرسش (۶) گونه یزدی بالاترین درصد را دارد و بعد از آن گونه شیرازی، گونه کرمانی، گونه افغانی و گزینه هیچکدام در رتبه‌های بعد قرار دارند. لازم به ذکر است که گویشوران بومی این گونه‌های زبانی همگی مرد و جوان و باسواد بودند. همان‌طور که در

● در پاسخ به پرسش (۴) مبنی بر اینکه گویشور کدام گونه به نظر آزمودنی‌ها تحصیل کرده‌تر است با توجه به متغیر سن پرسامدترین در گروه سنی اول گونه شیرازی با ۲۷/۶ درصد، در گروه سنی دوم گونه یزدی با ۲۵/۹ درصد و در گروه سوم گونه آبادانی با ۲۵/۷ درصد بوده است. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر سن، آزمون آماری کروسکال والیس رابطه معناداری را بین سن و این گزاره نشان نمی‌دهد. پرسامدترین انتخاب از نظر جنسیت گونه شیرازی بوده است که در گروه مردان ۲۵/۸ درصد و در گروه زنان ۲۲/۱ درصد را نشان می‌دهد. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر جنسیت، آزمون آماری یومن ویتنی رابطه معناداری را بین جنسیت و این گزاره نشان نمی‌دهد. پرسامدترین انتخاب در گروه زبانی اول گونه شیرازی با ۲۲/۹ درصد، در گروه زبانی دوم گونه شیرازی با ۳۱/۱ درصد و در گروه زبانی سوم گونه یزدی با ۲۶/۲ درصد بوده است. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر زبان، آزمون آماری کروسکال والیس رابطه معناداری را بین زبان و این گزاره نشان نمی‌دهد.

● در پاسخ به پرسش (۵) مبنی بر اینکه گویشور کدام گونه لحن صمیمانه‌تری دارد با توجه به متغیر سن، پرسامدترین گونه گونه آبادانی بوده است که در گروه سنی اول ۴۹ درصد، در گروه سنی دوم ۳۲/۹ درصد و در گروه سنی سوم ۲۸/۶ درصد را نشان می‌دهد. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر سن، آزمون آماری کروسکال والیس رابطه معناداری را بین سن و این گزاره نشان نمی‌دهد. پرسامدترین انتخاب از نظر جنسیت نیز گونه آبادانی بوده است که در گروه مردان ۳۵/۶ درصد و در گروه زنان ۴۵/۳ درصد را نشان می‌دهد. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر جنسیت، آزمون آماری یومن ویتنی رابطه معناداری را بین جنسیت و این گزاره نشان نمی‌دهد. پرسامدترین انتخاب در گروه‌های زبانی نیز گونه آبادانی بوده است که در گروه زبانی اول ۳۷/۴ درصد، در گروه زبانی دوم ۴۶/۷ درصد و در گروه زبانی سوم ۳۸/۱ درصد را نشان می‌دهد. در تحلیل پاسخ‌های آزمودنی‌ها با توجه به متغیر زبان، آزمون آماری کروسکال والیس رابطه معناداری را بین زبان و این گزاره نشان نمی‌دهد.

● در پاسخ به پرسش (۶) مبنی بر اینکه کدام گونه بیانگر اعتبار و شخصیت گوینده است با توجه به متغیر سن،

جدول (۱) می‌توان دید، در مجموع آبادانی بالاترین میانگین انتخاب و گونه افغانی کمترین میانگین را در بین گونه‌های موردبررسی دارد و بر این اساس می‌توان الگوی زیر را برای نگرش مثبت نسبت به این گونه‌ها ارائه داد:

آبادانی < یزدی < شیرازی < کرمانی < افغانی

از آزمون آماری یومن ویتنی برای نشان دادن معناداری متغیر جنسیت و آزمون آماری کروسکال والیس برای نشان دادن معناداری متغیرهای سن و دوزبانگی بر نگرش‌های زبانی آزمودنی‌ها استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که پرسش اول مبنی بر انتخاب یکی از گونه‌ها به عنوان گونه زبانی فرد، رابطه معناداری بین متغیر جنسیت و انتخاب گونه وجود دارد. در پرسش دوم مبنی بر انتخاب خوشایندترین گونه، رابطه معناداری بین سن و انتخاب گونه وجود دارد. در پرسش سوم مبنی بر اینکه با کدام گونه راحت‌تر می‌تواند ارتباط دوستی برقرار کنند نیز رابطه معناداری بین سن و انتخاب گونه وجود دارد.

جدول ۱. درصد نتایج کلی بررسی نگرش زبانی

هیچکدام	یزدی	کرمانی	شیرازی	افغانی	آبادانی	گونه پرسش
۳۱/۲	۱۸/۳	۸/۷	۲۰/۶	۳/۲	۱۷/۹	ترجیح و انتخاب
۱۴/۷	۳۲/۱	۷/۳	۱۷/۹	۳/۲	۲۴/۸	خوشایندتر
۲/۳	۲۴/۳	۱۱	۲۲/۹	۷/۸	۳۱/۷	ارتباط دوستی
۴/۱	۲۱/۱	۱۶/۵	۲۴/۳	۱۴/۷	۱۹/۳	تحصیل‌کرده‌تر
۰/۹	۲۳/۹	۱۲/۸	۲۰/۲	۲/۸	۳۹/۴	صمیمانه‌تر
۳/۷	۲۶/۶	۱۵/۱	۲۳/۴	۱۳/۳	۱۷/۹	متخصص‌تر
۹/۴۸	۲۴/۳۸	۱۱/۹	۲۱/۵۵	۷/۵	۲۵/۱۶	میانگین

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی و تحلیل توانایی تشخیص گونه‌های محلی زبان فارسی توسط گویشوران فارسی‌زبان و نگرش این افراد به گونه‌های محلی انجام شد. در بخش آزمون تشخیص گونه‌های زبانی، درصد قابل توجهی از آزمودنی‌ها قادر به تشخیص درست گونه‌ها نبودند. در تشخیص گونه‌ها از نظر جنسیت گروه زنان، از نظر سن گروه سنی اول و از نظر زبان گروه زبانی اول موفق‌تر عمل کردند. همان گونه که قبلاً گفته شد، مطالعات حوزه زبان و جنسیت نشان داده‌اند که زنان نسبت به مردان گویشوران محتاط‌تری هستند و بیشتر از گونه‌ای استفاده می‌کنند که شأن اجتماعی

بالاتری دارد. شاید همین حساسیت به کاربرد زبان در بین زنان سبب شده که در تشخیص گونه‌ها بهتر از مردان عمل کنند. با تحلیل مجموع نتایج آزمون، مشخص شد که به طور کلی ۷۸/۳ درصد آزمودنی‌ها در تشخیص گونه یزدی، ۶۵/۱ درصد در تشخیص گونه شیرازی، ۴۷/۴ در تشخیص گونه کرمانی، ۳۸/۹ درصد در تشخیص گونه افغانی، و ۳۷/۰۳ درصد در تشخیص گونه آبادانی موفق بودند. بر این اساس می‌توان سلسله مراتب شناخته‌شده بودن گونه زبانی برای آزمودنی‌ها را به این صورت ارائه داد:

یزدی < شیرازی < کرمانی < افغانی < آبادانی

در بخش دوم فارسی‌زبانان به توصیف گونه‌ها با استفاده از صفات مثبت و منفی پرداختند. البته صفات منفی نسبت داده شده به گونه افغانی بیشتر از سایر گونه‌ها است و هیچ صفت منفی به گونه آبادانی نسبت داده نشده است. همچنین، آزمودنی‌ها در توصیف گونه‌ها به ویژگی‌های آوایی مانند آهنگ، سرعت گفتار و لحن گوینده توجه داشتند. مثلاً انتخاب صفت قاطعانه برای گونه افغانی و صفت راحت برای گونه شیرازی ممکن است بیشتر به لحن گویشور مربوط بوده باشد. در مجموع آزمودنی‌ها در این بخش آزمون بالای ۷۰ درصد از صفات مثبت استفاده کردند و نگرش آنها مثبت ارزیابی می‌شود. در مورد گونه آبادانی تنها حدود ۷ درصد افراد از صفات منفی استفاده کردند. گونه افغانی بالاترین میزان استفاده از صفات منفی را داشت که برابر با ۲۷/۹۱ درصد است. صفات منفی در گونه شیرازی حدود ۱۵ درصد، در کرمانی حدود ۱۷ درصد و در یزدی حدود ۸ درصد از صفات نسبت داده شده را شامل می‌شوند. سلسله مراتب توصیف گونه‌ها با استفاده از صفات مثبت به این شرح است:

آبادانی < یزدی < شیرازی < کرمانی < افغانی

همان‌طور که مشهود است، پربسامدترین صفت منفی نسبت داده شده به آبادانی صفت «گیج‌کننده» به افغانی صفت «دهاتی»، به شیرازی «عامیانه»، به کرمانی «عامیانه» و به یزدی نیز «عامیانه» بوده است. این موضوع که غالب گویشوران زبان فارسی معیار، گونه‌های محلی را گونه «عامیانه» تلقی می‌کنند، نشان می‌دهد که باید در برنامه‌ریزی زبانی بر ارتقاء شأن گونه‌های محلی تمرکز بیشتری صورت گیرد.

در پاسخ به این پرسش که کدام گونه را ترجیحاً به عنوان زبان گفتاری خود انتخاب می‌کنید بیشتر آزمودنی‌ها

صمیمانه‌تر می‌دانند. در مورد اینکه کدام گونه بیانگر اعتبار گوینده است، بیشتر افراد گونه یزدی را انتخاب کرده‌اند. به طور کلی بر مبنای میانگین انتخاب توسط آزمودنی‌ها (جدول ۱) سلسله مراتب نگرش مثبت نسبت به این گونه‌ها به این شرح است:

آبادانی < یزدی < شیرازی < کرمانی < افغانی.

در عین حال، تأثیر جنسیت بر انتخاب گونه به عنوان زبان گفتاری ترجیحی به لحاظ آماری معنادار است. رابطه انتخاب گونه به عنوان خوشایندترین و دوستانه‌ترین گونه با سن معنادار است. این نتایج با نتیجه تحقیقاتی چون سائلی (۲۰۱۸) و مظفری (۱۳۹۳) که سن و جنسیت را از عوامل تأثیرگذار بر نگرش زبانی سخن‌گویان زبان می‌دانند، همسو است.

هیچ یک از این ۵ گونه را به عنوان زبان ترجیحی خود انتخاب نکرده‌اند، و گزینه هیچکدام را انتخاب کرده‌اند، اما از بین گونه‌ها، گونه شیرازی انتخاب اول افراد است. بیشتر افراد گونه یزدی را خوشایندتر از سایر گونه‌ها می‌دانند و بعد از آن گونه آبادانی قرار می‌گیرد.

در پاسخ به این پرسش که با گویشور کدام گونه راحت‌تر می‌توانید ارتباط دوستی برقرار کنید بیشتر افراد گونه آبادانی را به عنوان گونه‌ای که می‌توان با گویشور آن راحت‌تر ارتباط دوستی برقرار کرد، انتخاب کرده‌اند و بعد از آن گونه یزدی انتخاب اول افراد است. در مورد اینکه گویشور کدام گونه به نظر تحصیل‌کرده‌تر است، بیشتر افراد گویشور گونه شیرازی را به عنوان فرد تحصیل‌کرده‌تر انتخاب کرده‌اند. در مورد اینکه کدام گونه صمیمانه‌تر است، بیشتر افراد گونه آبادانی را

منابع

- احمدی، سعید و بهمن زندی (۱۳۹۷). بررسی جایگاه و کاربرد زبان‌های فارسی و کردی در اورامانات از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی. *علوم اجتماعی*، دوره ۱۲، شماره ۴۳، ۱۳۳-۱۶۴.
- اسماعیلی، محدرضا، حسن بشیرنژاد و مهرداد روحی مقدم (۱۳۸۶). بررسی جایگاه و کاربرد زبان مازندرانی و نگرش‌های گویشوران نسبت به آن در شهرستان آمل. *پژوهش‌نامه علوم انسانی*، شماره ۵۶، ۱-۲۸.
- بشیرنژاد، حسن (۱۳۸۳). زبان‌های محلی ایران و خطر انقراض. *فرهنگ مردم ایران*، شماره ۵ و ۶، ۶۵-۸۴.
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی زبان، فرهنگ زبانی و مؤلفه‌های آن. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره ۲، شماره ۱، ۹۹-۱۲۱.
- داوری اردکانی، نگار و تحسین مصطفی (۱۳۹۰). بررسی نگرش‌های زبانی و جایگاه دو زبان فارسی و کردی در هویت ملی. *ایران‌نامگ*، شماره ۱ و ۲، ۲۰۹-۲۲۲.
- دراپیده، عبدالعزیز (۱۳۸۹). بررسی نگرش‌های زبانی و مؤلفه‌های هویت ملی دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی استان هرمزگان سال تحصیلی ۸۹-۸۸. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، مرکز پیام نور تهران.
- رستم‌بیک تفرشی، آتوسا (۱۳۹۴). روش‌شناسی پژوهش در مطالعات گویش‌شناسی. *زبان‌شناخت*، سال ششم، شماره ۲، ۱۱۷-۱۴۳.
- رضائی، احمد، آتوسا رستم‌بیک تفرشی و خدیجه واسو جویباری (۱۳۹۳). بررسی کاربرد زبان‌های مازندرانی و فارسی در شهر جویبار. *زبان‌شناخت*، سال پنجم، شماره ۲، ۳۱-۵۰.
- زندی، بهمن، بلقیس روشن و سارا نصیری الموتی (۱۳۹۰). جایگاه و کاربرد زبان فارسی و گویش تنکابنی در شهر تنکابن. *زبان و زبان‌شناسی*، دوره ۷، شماره ۱۴، ۴۱-۵۵.
- شعبان، مهتاب (۱۳۸۹). *بررسی نگرش زبانی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر بروجرد به زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، مرکز پیام نور تهران.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۹). *نگرش و تغییر نگرش*. تهران: نشر ویرایش.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشایخ، طاهره (۱۳۸۱). *بررسی کاربرد فارسی و گیلکی در میان دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی و والدین آنها در شهر رشت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مصطفی، تحسین (۱۳۸۷). *نگرش زبانی دانش‌پژوهان استان کردستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فارسی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
- مظفری، شراره (۱۳۹۳). *نگرش گویشوران استان فارس نسبت به گونه شیرازی و گونه معیار فارسی*. پایان‌نامه

- گونه‌ای از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی.
زبان‌شناسی/اجتماعی، شماره ۲، ۳۹-۲۷.
وارداف، رونالد (۱۳۹۳). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. مترجم:
رضا امینی، تهران: بوی کاغذ.
- Baker, C. (1992). *Attitudes and language*.
Clevedon: Multilingual Matters.
- Boughton, Z. (2006). When perception isn't
reality: Accent identification and
perceptual dialectology in French.
Journal of French Language Studies,
16(3), 277-304.
- Bucholtz, M., Bermudez, N., Fung, V.,
Edwards, L., & Vargas, R. (2007). Hella
Nor Cal or Totally So Cal? The
perceptual dialectology of California.
Journal of English Linguistics, 35(4),
325-352.
- Heeringa, W. J. (2004). *Measuring dialect
pronunciation differences using Levenshtein
distance*. Doctoral Dissertation, University
of Groningen Library.
- Hymes, D. H. (1974). *Foundations in
sociolinguistics: An ethnographic
approach*. Philadelphia: University of
Pennsylvania Press.
- Lakoff, R. (1973). Language and woman's
place. *Language in Society*, 2(1), 45-79.
- دکتری رشته زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی.
مظفری، شراره، آرزیتا افراشی، یحیی مدرسی و مصطفی
عاصی (۱۳۹۸). تأثیر عوامل اجتماعی بر کاربرد تنوعات
- Preston, D. R. (Ed.). (1999). *Handbook of
perceptual dialectology* (Vol. 1).
Netherlands: John Benjamin's
Publishing.
- Preston, D. R. (2006). Perceptual
dialectology. In: K. Brown (Ed.),
*Encyclopedia of language and
linguistics*, Vol. 9 (pp. 258-266).
Netherlands: Elsevier.
- Saeli, H. (2018). Tehrani peoples' attitudes
toward accented persian: Impact of
gender, age, and education level.
*International Multilingual Research
Journal*, 12(4), 237-254.
- Sibata, T. (1959). 'HÔgen KyÔkai no ishiki'
Gengo Kenkyu 36, 1-30. [Transl. as
'Subjective Consciousness of Dialect
Boundaries' in Preston (ed.) (1999), 39-
62.]
- Tannen, D. (1990). *You just don't
understand: Women and men in
conversation*. New York: Ballantine
Books.